مکاتبه قاسانی و تأکید بر یقین ثانی در استصحاب

لذا به سؤالی که چند جلسه قبل عرض کردم بر می‌گردیم. مطلب این بود: در مکاتبه قاسانی عرض کردم حتی بنابر استعمال لفظ در اکثر از یک معنا، اینکه روایت می‌خواهد منظور از یقین را ماه مبارک بگیرد –نه استصحاب- و یک معنای استقلالی در عرض استصحاب باشد، نیاز نیست. امروز نوبت آن حرف است؛ در جواب این سؤال که چرا در اینجا شارع استصحاب را به بیانی که مأنوس ما است نفرموده اند.

ببینید در مکاتبه، شارع می‌گوید «الیقین لایدخله الشک»، اگر منظور از این یقین ماه مبارک باشد چیزی می‌شود که لایرتبط بالاستصحاب اصلاً. در عبارات علماء به این صورت بود: «لیس هذا من الاستصحاب اصلاً». آیا به این صورت است؟ ای نه، اگر منظور از یقین هم حتی ماه مبارک باشد باز عین استصحاب است. به این معنا که عبارت استصحاب را نگاه کنید، می‌گوید «کنت علی یقین من وضوئک فشککت»، «لا ینبغی لک ان تنقض الیقین بالشک». تا اینجا خوب است. این استصحاب مأنوس است که می‌گوییم وقتی شک آمد یقین را نبر. تا همینجا ما می‌گوییم استصحاب؛ اگر شک آمد یقین را نبر. درحالی‌که گاهی نیاز است جمله بعدی که امام می‌فرمایند را ببینیم. چرا دنباله آن امام می‌فرمایند «ولکن انقضه بیقین آخر»؟

عرض من این است: سر و کار شارع با عموم مردم است. ادله و روایات با عموم مردم سر و کار دارد. او می‌داند که با این مردم چگونه رفتار کند. گاهی اقتضاء حکمت القاء دلیل استصحاب این است که به جای اینکه روی یقین اول و شک ناقض آن تأکید کند، تأکید می‌کند روی تنقضه بیقین آخر. این یقین را برجسته می‌کند. خب چرا؟ لِحِکَمٍ بعضی از آن‌ها را ما می‌توانیم فی الجمله بفهمیم. خیلی از آن‌ها را نمی‌فهمیم. ولی می‌توانیم از لسان دلیل استظهار کنیم. اگر منظور از مکاتبه یقین باشد غیر استصحاب می‌شود؟! نه. خب «الیقین لایدخل فیه الشک»، یقین یعنی یقین به ماه مبارک! بسیار خب، حالا چه؟ یعنی الآن «الیقین لایدخل فیه الشک» یک مطلبی غیر از استصحاب است که شارع فرموده؟ اگر هم می‌خواهد هر دو را اراده کنید باید استعمال لفظ در اکثر از یک معنا کنید؟ نه. حتی اگر منظور یقین است، همان استصحاب است. اما به لسان تأکید بر یقین دوم. «و لکن تنقضه بیقین برمضان».

بازبینی #2
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 13:25:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 13:25:40 توسط ... .